

مرزبندی راست سنتی و شبکه وحشت

ک آزاد

این نوشتار طی دو نامه جداگانه توسط آقای آزاد برای نشریه ارسال شده است که دارای نکاتی راهبردی است و تلخیصی از آن را از نظر می گذرانیم.

هر که ناموخت از گذشت روزگار

هیچ ناموزد ز هیچ آموزگار

هوشیار باشیم! شمارش معکوس آغاز شده است... در حال حاضر 'خطر اصلی' به هیچ وجه، نه دیگر جناح به اصطلاح راست سنتی، بلکه در واقع 'افراطیون فاشیست محفلی' هستند. جماعت خودمحور و بی اصل و ریشه ولی کاملاً متشکل و با برنامه‌ای که به شدت تشنه قدرتند و مدت‌هاست که در کمین شرایط و فرصت‌های مساعد نشسته‌اند...

راست سنتی، بنا به علل گوناگون اجتماعی، فرهنگی... و اقتصادی، در شرایط تاریخی حاضر لامحاله رو به ضعف می‌رود و علی‌رغم ظاهرش، هر چه بیشتر حالتی دفاعی به خود می‌گیرد. این واقعیت، مناسب‌ترین شرایط را برای نزدیکی بیش از پیش محفلی‌های افراطی و عقب‌افتاده به راست سنتی، در نقش دروغین و غیر واقع‌بینانه مدافع و منجی! تاریخی ایشان فراهم آورده است... ارتباطات متقابل و ارگانیک این شبکه با باندها و گروه‌های گوناگون ثروت و قدرت در بخش‌های مختلف جامعه و حاکمیت در مقاطع مختلف، از دلالتان نوکیسه و تازه به دوران رسیده گرفته تا قدرت یافتگان بادآورده و خود شیفته... سابقه‌ای دیرینه دارد...

از سوی دیگر، متأسفانه حداقل بخش‌هایی از راست سنتی در کشور ما، علی‌رغم تصور دارا بودن ششم بالای سیاسی و تسلط بر تاکتیک‌های مردم‌داری، بارها و بارها مستقیم و غیرمستقیم از سوی کسانی که در نقش کاذب منجی و قیم و کاسه داغ‌تر از آتش، سالوسانه خود را در پشت مقدس‌ترین شعارها پنهان نموده‌اند به بازی گرفته شده است، در حالی که همواره به همان راست سنتی نیز به دیده حقارت نگریسته و در موعد مناسب خود به آنان نیز خنجر زده‌اند. (برای مثال می‌توان به تجربه سال ۳۲ و کودتای ۲۸ مرداد و وقایع پس از آن رجوع نمود)...

سرویس‌های پیچیده اطلاعاتی خارجی و داخلی نظیر M.I.6 در گروه‌های رقیب (از جمله در سازمان جوانان حزب توده)، برخی از نفوذی‌های قسم خورده عملاً توسط چه محفلی هدایت می‌شدند و در روی صحنه، در عم چه اشخاص و گروه‌هایی به‌عنوان مقصران اصلی قلمداد

گردیده‌اند؟ پس چرا هنوز پرونده قضایی برخی از آن وقایع و انفجارات بسته نشده و کات تاریک و مبهم آن‌ها روشن نگشته است؟ کلاهی و کشمیری معروف که اکنون مدت‌هاست 'ناپدید' شده‌اند، از اعضای به ظاهر متعصب کدام سازمان سیاسی و نظامی انقلاب اسلامی سابق بودند و با چه سوابقی ظاهراً به چه جنسی از آن تعلق داشتند؟ مگر نه این‌که آن افراطیون فاشیست ریاکار، گاهی حتی خود را تا مقدس‌ای نمازجماعت بودن حزب جمهوری بالا کشیده بودند؟... آیا

نقش کلیدی امثال شاپور و اردشیرچی و ریپورترها را در سال‌های ۳۰ الی ۳۲ از یاد برده‌ایم؟ آیا نقش برخی محافل ذی‌نفع داخلی و خارجی در برخی ترورهای مشکوک به دست بعضی افراد ناآگاه در آن سال‌ها و قبل و پس از آن را فراموش کرده‌ایم؟ چرا با آن ترورها و عوامل آن‌ها برخلاف موارد مشابه بدان‌گونه برخورد شد؟ مرگ مشکوک اسماعیل رابین‌ها (افشاگر بعضی باندهای فراماسونری در ایران) و دستور جایجایی مشکوک اسناد مربوط به سوابق و فعالیت‌های فراماسونرها در یرن از خانهای مخفی در یکی از خیابان‌های جنوب شهر تهران در اوایل انقلاب را چه؟ در مورد مرگ مشکوک فردوست‌ها و بقایایها... و نقش حزب زحمتکشان و بقایای باندهای وابسته به افرادی چون مظفر بقایی و نیز...

چه باید کرد؟

به نظر می‌رسد تنها طریق ممکن در وهله اول، تنویر هر چه بیشتر و صریح‌تر افکار عمومی

البته خوشبختانه حال دیگر پس از سپری شدن ۲ دهه از انقلاب، تنها 'مزیت نهایی' افراطیون در مقابله با رقیب و روند تحولات اجتماعی، گذشته از برخورد‌های دوگانه، ظرفیت برخورد متشکل و قهرآمیز آن‌ها در سر بزنگاه‌هاست. توانی که عمدتاً از معدود مغزهای متفکر پس پرده ایشان نشأت می‌گیرد. اگر چه بنا به دلایل مختلف و بخصوص به‌دنبال آگاهی نسبی پدید آمده، طبعاً امکان تأخیر در عملیات نهایی ایشان وجود داشته است، ولی این دیر و زود داشتن، به هیچ وجه به معنای سوخت و سوز آن نیست، چرا که این، اقتضای گریزناپذیر روان‌شناسی فردی و اجتماعی ایشان بوده و در گذشته نیز در مقاطع خاص و حساس (نظیر انتخابات ریاست جمهوری جریانات دانشگاه‌ها و وقایع پس از آن) جبراً و خواه ناخواه بارها تا آستانه آن پیش رفته‌اند...

بر این اساس و با توجه به تجربیاتی نظیر کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و امثالهم، جبهه مقابل آن‌ها چه راهبردی را برای برخورد با این خطر اجتناب‌ناپذیر در لحظه فرارسیدن زمان صفر در نظر دارد؟ اگر محفلی‌های افراطی و تمامیت‌خواه دارای انسجام، تشکل و توان بسیج سریع و هماهنگ نظامی و شبه‌نظامی هستند و به‌دنبال نفوذ هر چه بیشتر در سطوح بالای قدرت و بخصوص نهادهای نظامی، انتظامی و امنیتی، در کنار نفوذ خزنده و تدریجی در بعضی نهادهای مذهبی، سیاسی، تبلیغی و مالی می‌باشند و مثلاً بنا به اظهار علنی... به‌طور شبانه‌روزی آموزش فشرده و توصیه نیروهای مربوطه در... انجام می‌شود و از آن سو دم از نصر بالرب و تسلیح سراسری و امثالهم زده می‌شود. جبهه مقابل با توجه به تضادها و اختلافات موجود چه در اختیار دارد؟...

با توجه به وقایع مشابه در ماه‌ها و بخصوص روزهای پیش از کودتای انگلیسی - آمریکایی مرداد سال ۳۲ و نقش کلیدی نفوذی‌های...



چشم انداز ایران شماره ۱

نمود...

همچنین توسل به تهدید، تهمت و پرونده‌سازی‌های وسیع و ایجاد تفرقه و صف‌بندی‌های کاذب از شگردهای کهنه اینان بوده است... به یاد داشته باشیم که در صورت برخوردی به هنگام و مؤثر، این شبکه فتنه‌گر ولی مشتبه، بنا به همان ضعف‌ها و ترس‌ها و حماقت‌های وحشتناک نهادینش، بپر کاغذینی پیش نخواهد بود... در غیر این صورت در زمانی نزدیک و به گونه‌ای غیرمنتظره با برانگیخته شدن فزاینده زنجیره‌ای از فعل و انفعالات واکنشی و تقابلی در سطح جامعه اوضاع بیش از پیش از کنترل رهبران رسمی خارج شده و سرانجام همه‌چیز به انفجاری قیامت‌گونه ختم خواهد شد. انفجاری که در آن دیگر نه از تاک نشانی خواهد ماند و نه از تاک نشان. پس زمان طلایی را دریابید که فردا دیر خواهد بود و سنت خداوندی تغییرناپذیر است.



برهه خاص، تا حد بسیار زیادی به نفع این امر خواهد بود... غفلت و کوتاهی در درک این واقعیت مسلم، خطا و گناهی عظیم است که طبعاً مستوجب پشیمانی و عقوبتی سخت و گریزناپذیر خواهد بود.

حتی در صورتی که فرض شود به‌طور مشخص در پی آذارها، هشدارها و افشاگری‌ها و آماده‌سازی‌های هر چند نسبی به عمل آمده و نیز غیرمنتظره بودن نتایج قطعی و واقعی آرا حتی برای گروهی از محفلی‌های فاشیست، عملیات نهایی باند مافیایی مزبور موقتاً به تعویق افتد، باز این به هیچ‌وجه به معنای پایان کار آنان نخواهد بود. پس از آن، ایشان بناچار خود بیش از پیش به صحنه آمده و دور جدید و خشن‌تر و گسترده‌تری از زمینه‌سازی‌ها و خشونت و آشوب و انفجار و سرکوب را برای ایجاد ارباب و به سوته آوردن و مستأصل نمودن جامعه برای مقدمه‌چینی دوباره و نظامی کردن فضا و انجام عملیات نهایی خود به هر قیمت آغاز خواهند

و نیز برخی مسؤولین جناح راست و... باشد. پس از آن می‌توان درست پیش از فرارسیدن اجتناب‌ناپذیر زمان صفر برای شروع عملیات محفلی‌ها و با پیگیری مسؤولانه، سریع و قاطع پرونده بسیار حساس و روشنگرانه انفجارها و قتل‌های متعدد و دنباله‌دار زنجیره‌ای، معدود مغزهای متفکر و برنامه‌ریز را با واردآوردن دقیق و حساب شده یک ضربه غافلگیرانه با شکلی هماهنگ از کارایی انداخت. در این میان پرهیز از معامله و تمرکز هر چه بیشتر بر افشا و رسوای نمودن مغزهای متفکر ولی بسته و تاریک‌اندیش پس پرده محفلی‌ها که آرام آرام در حال آشکارسازی زرمه‌های شوم خود در زمینه‌سازی برای زمان موعودشان هستند، از اهمیت بسزایی برخوردار خواهد بود. بدین ترتیب راه بر عملیات ایشان برای اغفال جناح راست و اجرای پروژه سرکوب گسترده و عملاً خونین در زمان موعود بسته می‌گردد. بخصوص این که نظر و واکنش بیشتر مردم و گروه‌های جامعه در آن

